

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی 34)، تابستان 1396، صص 181 - 200
تاریخ وصول: 1394/12/11، تاریخ پذیرش: 1395/04/14

مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی

حسین عزیزی *

چکیده

هر اثر و میراث تاریخی در روزگاری پدیده‌ای بوده که تاکنون ماندگار شده است. براین اساس مکاتبه‌ها، تعهدنامه‌ها، لوح‌ها، مجسمه‌ها، نقش‌ها، نشانه‌ها، بناها و مانند این را می‌توان تاریخ عینی یا ماندگار، در برابر تاریخ علمی، نامید. تاریخ عینی و ماندگار پل‌های ارتباطی دیروز و امروزند. این گفتار با روش توصیفی و تاریخی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به دنبال مطالعه درباره مبانی دینی و اسلامی صیانت از تاریخ عینی، یعنی آثار و ابنیه تاریخی، است. مضمون آیات و روایات و اخبار آن است که دیانت اسلام به هر دو مفهوم تاریخ علمی و تاریخ عینی اهتمام بسیاری داشته است. مبانی ده‌گانه مهم و مؤثر فقهی در لزوم و ضرورت صیانت از میراث تاریخی عبارت‌اند از: سنت کتابت و روایت، جایگاه گردشگری و سیر علمی در اسلام، سیره سلف صالح در صیانت از آثار تاریخی برجای مانده از پادشاهان، لازمه امر به تاسی بر سنت اولیاء، آثار اجتماعی و تاریخی سنت زیارت و تبرک، مواجهه عملی فقها با تصاویر و پیکرهای برجامانده از ماقبل اسلام، اقتضای عملی سنت وقف و نیز شأن ذاتی مسجد و معبد در اسلام مبانی. به نظر می‌رسد بر همین اساس بود که پیامبر(ص) و اصحاب برگزیده ایشان و فقهای گذشته، به جز بت‌ها، به تخریب و انهدام هیچ اثر تاریخی دستور ندادند؛ حتی سکه‌های منقوش ایرانی و رومی ده‌ها سال نقد رایج مکه، مدینه، عراق، مصر و شام بود؛ بنابراین اگر ضرورت حفظ، انتقال، ازدیاد و بهره‌مندی از آثار نیاکان را تفسیری پذیرفتنی از مفهوم پیشرفت بدانیم، این گفتار درصدد نشان‌دادن پیوند مبانی و سنت‌های اسلامی با مفهوم توسعه و پیشرفت نیز هست.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اسلام، اثر تاریخی، ایوان کسری، وقف، مسجد، زیارت، فقه.

* استادیار دانشگاه اصفهان، hosn.azizi@gmail.com، نویسنده مسوول

مقدمه

خوانش جدیدی از هنر و تاریخ قرائت قرآن در دیروز و امروز است.²

فرضیه پژوهش آن است که دیانت اسلام، یعنی آیات کتاب و سنت و سیره صالحان، هم‌زمان به سیر گردش ذهنی و عینی تاریخ و مطالعه و نظر در آیات آفاق و انفس و نیز به ضرورت ثبت و صیانت میراث گذشتگان فراخوانده است. این فرضیه در مطالعات زیر بررسی خواهد شد:

کتابت علم

شاید در تشویق به ثبت و ضبط میراث علمی بشر، هیچ کلیدواژه‌ای به رسایی اصطلاح تقییدالعلم نرسد. شایسته است تقییدالعلم را که سرخط همه روایات دال بر تشویق و رونق سنت کتابت در عصر نبوی است، نقطه عطف فقه‌الکتابه بنامیم. از آنجاکه برای رهبران و جامعه شیعی سنت کتابت رویه‌ای پذیرفته شده و مسلم بوده است، فقه‌الکتابه مانند فقه الفتوح، در کانون توجه فقها و محدثان شیعه قرار نگرفت. البته باید رگه‌هایی از پژوهش‌های عالمانه را در باب کتابت حدیث در کتاب‌های علم الحدیث، به‌ویژه در کتاب‌های اللماع إلی معرفه أصول الروایة و تقیید السماع، قاضی عیاض مالکی (479 تا 544 ق/ 1086 تا 1149 م) و ادب‌الاملاء و الاستملاء سمعانی مروزی (562 ق/ 1166 م) جستجو کرد.

در هر حال، در عصر پیامبر و پس از آن، سنت کتابت در میان طیف بزرگی از صحابه و تابعین و اتباعشان معروفی اجتماعی و امری پذیرفته شده بود. در نیمه قرن دوم، اجماع علمای اسلام بر تدوین حدیث نشان داد که اقدام یک جانبه عمر بن خطاب، با وجود مخالفت دیگر صحابه، ناتمام و غیرموجه بوده است و از همه مهم‌تر اینکه به همه این اختلافات در باب سنت تدوین پایان داد. کتاب تقیید العلم خطیب بغدادی (463 ق / 1070 م) که در آن به

این پژوهش در نظر دارد با تکیه بر آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی، بر ضرورت حفظ میراث و آثار تاریخی که ما آن را تاریخی عینی یا تاریخی ماندگار می‌نامیم، تأکید کند. این همان است که از آن به‌عنوان مبانی یاد می‌شود. مبانی جمع مبنای، اساس و شالوده هر چیز را می‌گویند. مبانی در اینجا، دلایل و استدلال‌های به‌کاررفته برای موجه و مستدل کردن یک قضیه است.

ضرورت حفظ تاریخ عینی یا اعیان تاریخی شاید در ابتدا بدیهی می‌نماید؛ اما گذشته اسفبار مسلمانان در حفظ آثار و نیز در وضع حال جهان مسلمانی که قرائت خشن و تقلیل‌گرای سلفیت افراطی و مرتجع هم‌زمان، به جنگ با تاریخ علمی و عینی برخاسته و در صدد محو آثار تاریخی انسان و اسلام‌اند، نیازمند بازخوانی مجدد است.¹ سابقه این بازخوانی تاجایی که آگاهی دارم، با توجه به مؤلفه‌های خاص و زاویه نگاه، در نوع خود ناشناخته است؛ بنابراین، نویسنده پیشینه‌ای برای این پژوهش نمی‌شناسد.

مفروض پژوهش آن است که اسلام به ذات خود، دین فرهنگ و دولت و تمدن است. کانون نرم‌افزاری این فرهنگ، قرآن کریم است که البته، خود پدیده‌ای است و اثری جاوید و تاریخ عینی و ماندگار «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، 9). این ماندگاری، افزون بر امدادهای غیبی، وابسته به زنجیره تاریخی قرائت و قاریان قرآن کریم است. به نظر می‌رسد که این سلسه در صیانت قرآن از تحریف، یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را بازی کرده است. شاید نتوان کتابی به مانند قرآن یافت که پیوستگی تلاوت و ترتیل آن این چنین واقعی و شناخته شده باشد. ابن‌الجزری (833 ق/ 1429 م) در غایه‌النهایی فی طبقات‌القراء، در مقایسه با پیشینیان خود، بازخوانی جامع‌تری از این سلسه دارد. کتاب نو پدید هنر قرائت قرآن اثر کریستیانلسون (Kristia, Nelson) نیز،

«سفر»، «حج»، «تقلّب فی الارض» و مانند آن‌ها بر می‌خوریم که در همه آن‌ها، مفهوم جابه‌جایی و رفتن و گذر کردن و ترک وطن دیده می‌شود. اما در میان این کلیدواژه‌ها، قرآن کریم آنگاه که به مطالعه هدفمند سرگذشت جهان و انسان دعوت کرده است، فقط از مشتقات واژه «سیر» در قالب دستور یا استفهام تأکیدی سود جسته است: «سیرُوا، أَقْلَمَ یَسیرُوا».

مشتقات سیر 27 بار و در 25 آیه از آیات مکی و مدنی قرآن، به صورت فعلی و وصفی و نیز امر و استفهام، به کار رفته است. کاربردهای این مشتقات نشان می‌دهد که «سیر» ناظر به شدن و گردش آگاهانه و با اختیار و هدفمند است که با اراده فاعلی آگاه اتفاق می‌افتد. از این رو، سیر جبال یا سیر آدمیان در خشکی و دریا به خداوند نسبت داده شده است یا با فعل مجهول آمده است که ناظر به نقش فاعل اصلی، یعنی خداوند بزرگ، است؛ نیز آنجا که از سیره و شمایل عصای موسی یاد کرده است، سیرت آن را به خداوند دانای توانا نسبت داده است. از همین رو، به قافله یا فردی از قافله مصر که یوسف را از چاه برگرفت و به فروش رساند، سیاره گفته شده است. باید گفت که مفهوم واژه نوپدید توریسم⁵ (جهانگردی) تا حدی به مفهوم سیر در قرآن نزدیک است؛ اما اینکه در فرهنگ فارسی، جهانگردی به سیاحت ترجمه شده است و شماری از سفرنامه‌ها نیز عنوان سیاحت‌نامه یافته‌اند، سابقه چندانی ندارد و سیاحت را در قرآن نباید به مفهوم امروزی سیر هدفمند و جهانگردی دانست. البته مشتقات واژه سیح که در آیه‌ای به صراحت در مفهوم گردش به کار رفته است (توبه، 2) به مفهوم سیر و گردشگری هدفمند در قرآن نزدیک نیست.

در 14 آیه از قرآن کریم، به صورت سؤال تأکیدی یا صیغه سوم شخص امری، فرمان به سیر در زمین داده شده است. در همه این آیات، بلافاصله دستور به نظر

تجمع روایات کتابت پرداخته است، شاید گزارش تا حدودی کامل از مجموع احادیث و اخبار کتابت در عصر اول باشد و همچنین تصویری را از ماجرای این اختلافات نشان دهد.

نویسنده در جای دیگر کوشیده است که به عدد بزرگی از علت‌ها و شواهد تاریخی دست یابد که همه آن‌ها به رونق و گسترده‌گی سنت کتابت در صدر اسلام گواهی می‌دهند. امروز هر خواننده منصفی با دیدن و خواندن این اسناد می‌پذیرد که داستان منع کتابت علم در عصر پیامبر (ص) و پس از آن، تلاشی بی‌فایده بوده است و به هیچ‌وجه نتوانسته است جلوی عطش علم‌آموزی و موج کتابت و دفترنویسی صحابه و تابعین و اتباع آنان را بگیرد. عمر بن خطاب در کنار دستور به «کتابت رسمی قرآن»، به انگیزه جلوگیری از خلط حدیث با قرآن، مانع از «کتابت رسمی» حدیث شد؛ اما به گواهی همه اسناد و روایات، این دستور هیچ‌گاه فراگیر نشد و جریان کتابت در خاندان پیامبر (ص) و دیگر صحابه و تابعین و اتباعشان همچنان تداوم یافت.³ با وجود این، آیا می‌توان نقش سنت و فقه‌الکتابه⁴ را در ثبت و ضبط بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان اسلام، اعم از قرآن و حدیث و دیگر شاخه‌های علوم اسلامی و علوم دخیل، نادیده گرفت؟ این سنت مقدس زمانی که از اواخر سده دوم با گسترش صنعت کاغذسازی در پایتخت سیاسی دارالاسلام، یعنی بغداد، برخورد کرد، آغاز جنبش بی‌مانند ترجمه و تصنیف و تألیف را باعث شد. چنان‌که خواهیم گفت، به تدریج کتاب و کتابخانه با وقف و مسجد و مدرسه به هم آمیخت و بدین‌گونه، شانس بقای بیشتری یافت.

سیر و سیاحت

در قرآن کریم به بُن واژه‌ها و مشتق‌های مشابهی همچون «سیاحت»، «إسراء»، «سیر»، «هجرت»، «مرور»،

در آفرینش دنیا و جهان آخرت و سرانجام گذشتگان به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در آیه دیگری (یوسف، 109)، به کار انداختن قدرت تعقل و حوشنوی هدف سیر و نظر در آثار دیگران دانسته شده است.

مفهوم اختیار و غایت‌مندی در مشتقات سری مانند اسراء و أسری نیز دیده می‌شود؛ اما تفاوت عمده مشتقات سیر و سری در قرآن کریم، در عام‌تر بودن مفهوم سیر از نظر گردش در روز و شب و اختصاص سری به سفر شبانه است. تفاوت دیگر آن است که به استثنای یک نمونه که آن هم درباره وصف شب آمده است، سری اغلب به صورت متعدی به کار رفته است؛ نیز آیات سری ظهور در سفر کالبدی و جسمانی دارد.⁶ اما آیات سیر ممکن است به سیر روحانی و عقلائی نیز اطلاق شود.

چنان‌که از آیات قرآن به دست می‌آید، واژه مرور فقط به مفهوم گذار است و هیچ قصد و هدفی در مفهوم آن نخواهید دید. از این رو، در نمونه‌هایی همچون زندگی‌کردن مادر با جنین خود نیز به کار رفته است (الاعراف، 189). جالب آنکه در قرآن کریم، مرور و گذر بی‌هدف و همراه با بی‌خبری نکوهش شده است و به طور ضمنی از مخاطبان می‌خواهد که از گذرگاه‌های زمین و آسمان بی‌خبر نگذردند و تأمل و نظر کنند. «وَ كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف، 105).

مشتقات هجر در 17 سوره و 27 آیه، 31 بار در قرآن تکرار شده است. ماده هجر ناظر به ترک ارادی مبدأ کفر و ظلم برای مقصد خداپسندانه است. این مفهوم به طور تقریبی در تمام آیات یادشده دیده می‌شود؛ بنابراین، مفهوم گردشگری و جهانگردی در مشتقات هجرت نیز دیده نمی‌شود.

بنابراین چنان‌که اشاره شد، در قرآن واژه سیر نزدیک‌ترین واژه به مفهوم جهانگردی و گردشگری است. اکنون جای این پرسش است که معنا و مفهوم سیر در

زمین چیست که قرآن بدان دستور اکید می‌دهد. بی‌شک سیر در زمین سیر آگاهانه و علمی خواهد بود؛ سیری که سایر و گردشگر را با سرمشاهای آفرینش جهان و انسان (كَيْفَ بَدَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ) و سرگذشت (كَأَنَّا أَكْثَرَ مِنْهُمْ قُوَّةً) و سرانجام پیشینیان آشنا کند (كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ). در این دو سیر، بسیاری از قلمروهای زمین شناسی، زیست‌شناسی، جغرافیای طبیعی و انسانی و قلمرو انسان شناسی مطالعه علمی می‌شود. به طبع، باستان‌شناسی نیز به‌عنوان شاخه‌ای از انسان‌شناسی که درباره فرهنگ و میراث مادی انسان‌های ابرازساز و تاریخی مطالعه می‌کند، مشمول این قلمرو خواهد بود. به تعبیر قرآن، در این مطالعه کارنامه و گستره نیروی حیاتی انسان‌ها (كَأَنَّا أَكْثَرَ مِنْهُمْ قُوَّةً) و عاقبت آنان باید به دقت بررسی و شناخته شود (فَانظُرُوا) (ر.ک: حموی، 1995م: 7/1؛ طبری، 1967: 7/99؛ مکارم شیرازی، 1374: 102/3 تا 105/5؛ 163/5).⁷

معلوم است که سرانجام اقوام تباه‌شده عصر نوح و قوم عاد و ثمود جز با مطالعه درباره آثار به‌جای‌مانده از ماجرای عبرت‌آموز هلاکت و مرگشان شناخته‌شده نیست و این کار از دانش باستان‌شناسی ساخته است. چه کسی قادر است منکر شود که سیر کنونی ناظری ژرف‌اندیش در کوچه پس‌کوچه مردان و زنان کشورها و شهرها و روستاهای امروز، سیری است در تاریخ و آثار پیشینیان آنان. در اندیشه و رفتار نسل امروز، بازتاب حیات تاریخی بشر از بازتاب اندیشه و اعمال گذشتگان در آثار به‌جای‌مانده دست کمی ندارد. برای مورخ کنجکاو، اندوخته‌های مادی و معنوی معاصران نشانه‌هایی از فرهنگ و حیات گذشتگان است و در آن، نوعی وحدت میان زندگی معاصران و پیشینیان یافت می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه برای همیشه، به آیات پرشمار سیر و سیاحت در قرآن جامه عمل بپوشانیم؟ چگونه مخاطبان قرن حاضر و نیز آیندگان

است. سیاق سخن امام(ع)، همانند سیاق آیات سیر در قرآن کریم است و به گردشگری علمی و هدفمند در دیار و آثار پیشینیان دلالت دارد. معلوم است که سیر در دیار و آثار همان سیر جغرافیایی و سیر انسان‌شناختی و باستان‌شناختی است و سیر در «باشگاه انسان‌ها».

بنابراین می‌توان گفت که امیرمومنان علی(ع) اول به دو نوع مطالعه تاریخی سفارش کرده‌اند، مطالعه نظری در اخبار و مطالعه میدانی و عینی در دیار و آثار؛ دوم لازمه مطالعه نظری و عینی در اخبار و آثار را حفظ و صیانت از اخبار و آثار و انتقال آن‌ها به نسل‌های دیگر دانسته‌اند.

سیره فاتحان صدر اسلام

مورخان ذیل حوادث سال 16 قمری نوشته‌اند سعد، فرزند ابی‌وقاص که فرماندهی سپاه فاتحان عرب را برعهده داشت، به همراه سلمان که پیشاهنگی سپاه و دعوت و تبلیغ را برعهده داشت، به کاخ سفید مدائن درآمد و این آیات سوره دخان را تلاوت کرد: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نَعْمَهُ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ كَذَٰلِكَ وَ اَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا ءَاخِرِينَ» (دخان، 25 تا 28) و هشت رکعت نماز فتح در ایوان به جای آورد. او درحالی‌که قصد اقامت داشت و نماز را کامل می‌گزارد، نماز جمعه را در صفر سال 16 قمری در این مکان اقامه کرد. بدین ترتیب، او ایوان خسرو را نمازگاه کرد و نگاره‌های برجسته مردان و اسبان را که بر دیوارهای کاخ بود، به حال خود وا گذاشت و تغییر نداد.⁹

ابن عربی نقل می‌کند پس از آنکه حضرت علی(ع) به عراق درآمدند، وارد مدائن شدند و با دیدن ایوان کسری گریستند و آیه 52 سوره نمل «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» را تلاوت کردند و مجدد عظمت آیه را گوشزد کردند؛

را مانند مخاطبان مستقیم عصر قرآن، به تدام شناخت تاریخی فراخوانیم؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش آن است که «فریضه مطالعه و نظر» را درباره تاریخ و آثار گذشتگان، مانند همه فرایض و آموزه‌های قرآن، ابدی بدانیم که می‌دانیم. نتیجه‌ای که از این نظریه گرفته می‌شود آن است که حفظ و حراست از میراث مادی و مکتوب گذشتگان تکلیفی الهی و همیشگی است.

اگر پیش از نزول قرآن، اثری از آثار حیات گذشتگان نبود یا دسترسی و نظر درباره آن‌ها ممکن و مشروع نبود، قرآن کریم در بیش از 10 آیه⁸ چنان تأکیدی نمی‌کرد و لزوم و ضرورت سیر تاریخی را قاعده همیشگی دینی نمی‌دانست. برای اهل قرآن هیچ تفاوتی میان آهنگ و معنای آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَي قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، 24) و کریمه «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...» (انعام، 46) نیست. قاریان فرهیخته هر دو فرمان نیرومند قرآن را به یک مقدار ارج می‌نهند و هر دو را به یک میزان تکلیف آسمانی می‌دانند. آنان به این اوامر همچون اوامر خدا به صوم و صلاة می‌نگرند. این نکته را بسیاری از صحابه و مسلمانان صدر اسلام به‌خوبی دریافته بودند. بی‌شک، ادبیات نیرومند تاریخ و سیره به چنین فهم و دریافتی مدیون است.

علی بن ابی طالب(ع) در وصیت نامه خویش به فرزندش امام حسن(ع) یا محمد بن حنفیه، پس از آنکه از وی می‌خواهند به مطالعه اخبار پیشینیان بپردازد و به یاد ماجرای آنان باشد، دستور می‌دهند در سرزمین و آثار گذشتگان سیر کن و در رفتارشان به دقت بنگر و بیاندیش؛ چنان‌که من در اخبارشان نگریستم و در آثارشان سیر کردم و اندیشیدم، آن‌گونه‌که گویا یکی از آنان شدم و با اول و آخرشان زیستم (صبحی صالح، 1414ق: 393). در این نامه، از بُن واژه سیر یکبار به‌صورت امری و یکبار به‌صورت ماضی استفاده شده

دیده می‌شود و آن درس‌آموزی از تاریخ پیکار دین و دنیا و پیروزی حق بر باطل است. نیز سعد کاری را انجام داد که علی بن ابی طالب چند دهه پس از وی، در دوران حکومت انجام دادند و عمل سعد را تأیید کردند و آن مصلی قراردادان ایوان مدائن بود. این سیره به روشنی بر ضرورت صیانت و بلکه قداست موارث و بنیادهای تاریخی اشاره می‌کند. با وجود این، از ماجرای ساختن بغداد واقعیت دیگری را نیز باید فهمید و آن فاصله گرفتن تدریجی کارگزاران خلافت اسلامی از سنت اسلامی و اندیشه‌ها و رفتار فاتحان و داعیان نخستین است.

تأسی به پیامبران

در آیات قرآن کریم به پیامبر (ص) و همه مومنان دستور داده شده است که ابراهیم خلیل و فرزندان و یاران او را الگو و مقتدای خویش قرار دهند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»، «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ممتحنه، 4 و 6؛ انعام، 90). نیز از مومنان خواسته شده است تا سیره و سنت پیامبر اسلام (ص) را اسوه حسنه خود بدانند و بدان بگروند: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، 21). از سوی دیگر، در آیات بسیاری به پیروی از پارسایان و راستان دستور داده شده است «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، 69).

صف طولانی راستان و پارسایان صالح که در آیات بسیاری به آن‌ها اشاره شده است، چگونه ممکن است

سپس آیاتی را که سعد بن ابی وقاص در روز فتح خوانده بود، تلاوت فرمودند (ابن عربی، 2001: 84/2). از این روایت روشن می‌شود که علی بن ابی طالب ایوان کسری را آیه و نشانه معرفت می‌دانستند و همین نگاه آیه‌ای به آثار و پدیده‌های تاریخی است که باعث می‌شود ایشان ایوان کسری را مصلا و معبد کنند و برای همیشه نشانه درس‌آموز قرار دهند.

نیز مورخان ذیل حوادث سال 146 قمری نوشته‌اند که تنظیم نقشه شهر بغداد با خالد بن برمک بود؛ چنان‌که حسابداری و شمارش آجرهای شهر با ابوحنیفه بود. منصور درباره تخریب مدائن و ایوان خسرو از یاران خود نظرخواهی کرد. همگان از جمله ابویوب موریانی، وی را به تخریب آن ترغیب کردند؛ اما خالد بن برمک که فارس و عجم بود موافقت نکرد و گفت: این نظر را نمی‌پسندم؛ زیرا این کاخ از «نشانه‌ها و آثار اسلام» و فتوح عرب است و هر بیننده‌ای با دیدن این آثار، نقش منحصر دین را در زوال دولتمردان این دیار دریافت می‌کند و با این آثار به نقش دین پی می‌برد. افزون‌بر این، در ایوان مصلا و نمازخانه علی بن ابی طالب قرار دارد. خلیفه نظر خالد را نپذیرفت و او را به ایرانی‌گری متهم کرد و دستور تخریب کاخ سفید را داد؛ اما پس از مدتی، به علت پرهزینه بودن تخریب و جابه‌جایی خشت‌ها و آجرهای کاخ، از تصمیم خود برگشت (طبری، 1967م: 650/7 و 651؛ ابن اثیر، 1965: 573/5؛ ابن جوزی، 1992: 74/8).

چنان‌که پیداست دیدگاه واقع‌نگرانه خالد بن برمک، مشاور اعظم منصور، یادآور موضع و دیدگاه مسلمانان صدر اسلام و دیدگاه سرداران فاتح مدائن، سلمان و سعد بن ابی وقاص، است. جالب آنکه استدلال خالد نیز مانند استدلال و موضع آن‌هاست. سعد پس از ورود به کاخ مدائن، با تلاوت آیات عبرت‌آموز قرآن، به همان نکته‌ای اشاره کرد که در استدلال خالد در برابر منصور

نوشته است، تأکید کرده است که فساد سخن منکران مشروعیت زیارت و توسل در نزد عالمان چنان آشکار است که نیازی به رد آن نیست «و هذه المقالة أظهر فساداً من أن يردّ العلماء عليها...» (سبکی، 1419ق: 60). در نزد شیعه نیز، شیخ جعفر کاشف الغطاء (1228ق/1813م) نخستین پاسخ عالمانه و کوتاه را به اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب داده است. او در نامه خود به عبدالعزیز بن سعود (1218ق/1803م) که با عنوان منهج الرشاد لمن اراد السداد شهرت یافته است، بی‌اساس بودن بسیاری از دعاوی آنان را به صورت روشمند و با تکیه بر قرآن و سنت اثبات کرده است.¹²

تقی الدین سبکی پس از آنکه مطلوب بودن سفر را برای زیارت حضورِ قبر پیامبر (ص) بررسی کرده است، در همان کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام از ابوبکر آجری و ابن بَطَّه عکبری نقل کرده است که از فقهای اسلام هر کس که در باب مناسک حج کتاب نوشته است، به مناسک و آداب زیارت مرقد پیامبر (ص) و دو خلیفه دفن شده در جوار ایشان نیز پرداخته است (سبکی، 1419: 148 و 149). همین شیوه بی‌استثناء در همه جوامع حدیثی و فقهی شیعه نیز دیده می‌شود. با صرف نظر کردن از نخستین کتاب‌های مستقل مزارات، همانند کامل الزیارات ابن قولویه و کتاب المزار شاگردش شیخ مفید، در همه جوامع فقهی شیعه امامیه از کتاب کافی تا استبصار شیخ طوسی و نیز در همه جوامع فقهی شیعه پس از ابواب مناسک حج، بابی به زیارت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) اختصاص یافته است؛ بنابراین باید گفت که در میان محدثان و فقیهان مسلمان پس از مناسک حج، اتفاق نظر اطمینان بخشی در باب مشروعیت و مطلوبیت مناسک و آداب زیارات اولیای خدا به چشم می‌خورد.

نخستین مسئله‌ای که ذهن هر مسلمان را به خود

در مدار حرکت و هدایت تاریخی همه مومنان در همه دوران‌ها قرار گیرد؟ یک راهش آیات قرآنی است که به خواست خدا جاوید مانده است؛ اما توجه قرآن به سیره صالحان، همانند توجه به سیر در زمین و مطالعه احوال گذشتگان است و شناخت جزئیات احوال و اوصاف پیشینان و صالحان، راه دیگری می‌طلبد و آن گزارش‌های تاریخی است. این‌گونه آیات به دلالت التزامی، ضرورت ثبت روایات و اسناد تاریخی را گوشزد می‌کنند.

از سوی دیگر، مخاطبان قرآن و پیامبر (ص) نیز از آغازین روزهای فعالیت تبلیغی پیامبر (ص)، به این ضرورت دست یافتند. پیامبر (ص) نیز اصحاب خود را به شدت به ثبت و تقیید قرآن و سنت سفارش کرد و فرمود: «قَدْ دُؤا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ» (خطیب، 1426ق: 68)¹⁰ و هم به ضرورت ابلاغ سنت و سیره خود به آن کسانی سفارش کرد که مکان یا زمانشان از مکان و زمان پیامبر (ص) دور بود (یعقوبی، بی‌تا: 109/2). جالب‌تر آنکه در این میان، تأکید شده بود که این ثبت و کتابت باید مستند به ذکر سلسله راویان و مشایخ روایت باشد.¹¹ از همین رو، سامانه اسناد در روایت حدیث شکل گرفت و به یکی از ابزارها و روش‌های افتخارآمیز تعلیم و تربیت مسلمانان تبدیل شد. روشی که تا به آن روز جایگاهی بدان پایه نداشت.

زیارت اولیاء

اگر از کژتابی‌های فکری و فقهی پیروان ابن تیمیه (661 تا 707ق/1307م) و محمد بن عبد الوهاب (متوفی 1206 ق/1791م) و پیروانشان بگذریم، امت اسلامی از گذشته تا به امروز، تردیدی در مشروعیت زیارت مراقد انبیاء و اولیاء نداشته‌اند. از این رو، تقی الدین سبکی (683 تا 756ق/1355م) در آغاز کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام که به منظور نقد دیدگاه‌های ابن تیمیه

پیامبران بوده است. روایات بسیاری در دست است که نشان می‌دهد مکان مسجد کوفه در شهر کوفه، در تاریخ دینی سابقه بسیار طولانی دارد و این مکان مقدس، قدمگاه صدها پیامبر و وصی پیامبر بوده است. جالب آن است که در این روایات، یکی از علت‌های عمده قداست این مکان و نیز فضیلت مضاعف عبادت در آن، وجود آثار پیامبران و اولیاء در این مکان دانسته شده است. در همین روایات، مسجد سهله یا سهیل در کوفه و خیف در مکه نیز چنین جایگاهی دارد (ری‌شهری، 1387: 200 تا 220).

تبرک به آثار اولیا

بخش دیگری از سنت صحابه توجه و تبرک آنان به آثار پیامبر (ص) است که بر نگهداری آثار تاریخی تأثیر مهمی گذاشته است. در روایات و اخبار به این نمونه‌ها اشاره شده است. کتاب التبرک احمدی میانجی، با نظر به منابع و مطالعات پیشین، پژوهش‌های جامع و سودمندی را در اختیار گذاشته است.¹³

احمدی میانجی با عطف توجه مطالعات پیشین، به سنت تبرک در اخبار و احادیث نگاه انتقادی تاحدودی جامع دارد. او حدود نیمی از کتاب التبرک، یعنی از صفحه 103 تا 245 را ویژه روایات مربوط به آثار متبرک کرده است. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که علاقه صحابه و مسلمانان دیگر به آثار نبوی، مهم‌ترین و مقدس‌ترین انگیزه در حفظ آثار تاریخی بوده است. تبرک صحابه به موی سر پیامبر اعظم (ص) و نگهداری تارهای مو توسط ام‌سلمه، خالد بن ولید، عایشه، معاویه، ولید بن ابی‌الولید و انس بن مالک و وجود تارهای موی پیامبر (ص) در میان طوایف و افراد گوناگون تا ده‌ها و صدها سال در اخبار آمده است؛ برای مثال، هفت تار موی حضرت در صندوقچه نقره‌ای به رؤیت امام رضا (ع) (203 ق/ 818 م) رسید و آن حضرت چند نمونه را تأیید کردند.

مشغول می‌کند آن است که اسلام برای دعوت فراگیر به حج و زیارات چه تدبیری اندیشیده است؟ تاریخ حج نشان می‌دهد که مسلمانان و بزرگان آنان از آغاز تاکنون، به لوازم این دعوت و این اردوکشی معنوی و بزرگ اندیشیده‌اند. از تأمین امنیت جاده‌ها تا مدیریت شئون حج و زیارت و صیانت و گسترش اماکن و تسهیلات مربوط به این اردوی بزرگ، همواره مدنظر مسلمانان و کشورهای اسلامی بوده است. معلوم است که عملیات جمعی حج و زیارت بدون ضرورت حفظ آثار و تأسیس و توسعه رواق و صحن و تأمین حداقل رفاه زوار ممکن نیست. اجرا و احیا و استمرار سالیانه و ماهیانه شعایر اجتماعی اسلام به‌صورت ضروری تجمع، آبادانی، حفظ آثار اولیاء و توسعه همیشگی اماکن را به همراه خواهد داشت.

ذیل مبحث ایوان کسری به نمونه‌ای از اهتمام مسلمانان برای نگهداری ایوان، به‌عنوان مصلاهی صحابه و امام علی (ع)، اشاره کردیم. مهم‌تر از این، توجه و اهتمام مسلمانان نخستین به حفظ و نگهداری مرقده پیامبر (ص) و دیگر آثار آن حضرت است. با اطمینان باید گفت که علت اساسی این همه در «نگاه قدسی و آیه‌ای» پیشینیان به پدیده‌های تاریخی صدر اسلام و احوال و آثار ذات مقدس پیامبر نهفته است.

در هر حال، بسیاری از روایات نشان می‌دهد که یادکرد و احیای آثار و خاطره اولیای خدا، بخشی از برنامه‌های دینی بزرگان صحابه بوده است. اقدام آن‌ها به ساختن مسجد در قدمگاه رسول خدا (ص) از بهترین علت‌ها بر وجود این نوع نگاه در میان صحابه است. آمار این مساجد را سمهودی گزارش کرده است (سمهودی، 1376: 269 تا 287).

از روایات گوناگون معلوم می‌شود که اقدام صحابه و دیگر مسلمانان بر صیانت از قدمگاه‌های پیامبر (ص)، ادامه سنت امت‌های گذشته در حفظ و نگهداری از آثار

اجباری به خراسان و نمونه‌های دیگر، نشان‌دهنده فلسفه تاریخی تبرک و توسل به آثار اولیای خداست و آن مسئله‌ای جز ماندگاری و درس‌آموزی و الهام‌بخشی این آثار نیست (احمدی، 1422: 143 تا 162).

در این میان تبرک و توجه تام صحابه، اهل بیت (ع)، تابعین و دیگر شخصیت‌های سیاسی و علمی به وسایل شخصی و لوازم منزل رسول خدا (ص) نیز درخور توجه است. وسایلی همچون عصا، لباس، ردا، کساء، انگشتر، عمامه، عمامه موسوم به سحاب، شمشیر، شمشیر ذوالفقار، زره، کفش که برخی از آن‌ها صدها سال و حتی تا دوره ابن‌کثیر، در قرن هشتم قمری نگهداری می‌شدند. این وسایل همواره در کانون توجه بزرگان بوده است و کسانی همچون عمر بن عبدالعزیز آن‌ها را در گنجینه‌ای نگهداری می‌کردند و در معرض تماشای دیگران قرار می‌دادند (احمدی، 1422: 173 تا 192).¹⁴

عبدالله بن عمر سرآمد صحابه بود در تبرک و توجه به اماکن و خانه‌هایی که پیامبر در آنجا قدم نهاده یا نماز خوانده بود. وی این کار را پیوسته انجام می‌داد. فرزند سالم نیز راه پدر را رفت و دیگران را به این مرام تشویق می‌کرد. به جز او، دیگر صحابه نیز مکان‌های توقف یا نماز پیامبر (ص) را زیارت می‌کردند و نمازخانه یا مسجد می‌ساختند؛ اما اهتمام عبدالله بن عمر به حفظ آثار پیامبر چنان بود که درختی را که آن حضرت در حدیبیه زیرش سایه گرفتند، همیشه آب می‌داد که خشک نشود. در مکه و در مدینه کنار مساجد متبرک مدینه، چند خانه متبرک نیز به چشم می‌خورد. این خانه‌ها به نماز یا ولادت پیامبر (ص) متبرک شده بود و قرن‌های متوالی زیارتگاه مسلمانان بود (احمدی، 1422: 199 تا 228).

فقه نگارگری و پیکر تراشی

در فقه اهل سنت و شیعه، تصویرگری و ساختن مجسمه جانداران اغلب حرام و ممنوع است (نووی،

عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی (101 ق / 719 م)، وصیت کرد تارهای مو و ناخن پیامبر (ص) را در کفنش بگذارند. عبدالله فرزند احمد حنبل (241 ق / 855 م) وصیت کرد که تارهایی از موی سر پیامبر را در کفنش و در داخل دهانش قرار دهند. طبق نقل ابن حجر، در قرن نهم قمری تارهایی از موی پیامبر (ص) در بیت المقدس و در تونس وجود داشته است (احمدی، 1422 ق: 103 تا 113). این اخبار از اهتمام مسلمانان صدر اسلام در حفظ حتی رقیق‌ترین اشیاء متبرک تا صدها سال نشان دارد.

صحابه به قدح آب پیامبر نیز تبرک می‌جستند. این قدح در زمانی که عمر بن عبدالعزیز والی مدینه بود، با دیگر لوازم و اثاث منزل آن حضرت، در اختیار وی قرار گرفت. این قدح یا قدح دیگری از پیامبر (ص) را ابن سیرین دیده است. بخاری مصنف کتاب الصحیح در قرن سوم قمری در بصره از آن قدح آب خورده است (احمدی، 1422: 126 و 127).

تبرک به منبر پیامبر (ص) آنچنان در کانون توجه جامعه علمی قرار گرفت که سرمنشأ برخی مناسک و مقررات فقهی درباره سوگند خوردن در نزد منبر شد. این منبر تا زمان خلفای بنی عباس موجود بود و همواره تعمیر و نگهداری می‌شد تا اینکه در حادثه حریق مسجد النبی سوخت و قطعات سوخته آن در زیر یا کنار منبر جدید دفن شد (احمدی، 1422: 132 تا 137).

بی‌تردید تبرک و توجه اهل بیت (ع)، ائمه (ع)، صحابه، تابعین، اتباع تابعین، خلفا و فقهای بزرگ به قبر پیامبر (ص) و نیز احترام برخی از فقها به قبور فقهایی همچون ابوحنیفه و احمد بن حنبل در صیانت و ماندگاری این قبور نقش اساسی داشته است. وصیت امام حسن (ع) به تشرف جنازه آن حضرت به نزد قبر جدش (ص) و نیز توجه خاضعانه امام حسین (ع) به قبر آن بزرگوار در هنگام هجرت دردناکش از مدینه و نیز تشرف امام رضا (ع) به مرقد پیامبر (ص) به هنگام هجرت

1404ق: 403/16؛ ابن حزم، 1422ق: 25/9؛ درویش، 1409ق: 177/1؛ اما از دوران‌های گذشته، فقهای شیعه در خریدوفروش و نگهداری تصویر و مجسمه جاندار و غیرجاندار یک نظر نبودند. در این میان، بسیاری بودند که فتوی به جواز دادند. مرحوم نجفی در جواهرالکلام علاقه‌مند است که با اطمینان خاطر، جواز خریدوفروش و نگهداری تصویر و مجسمه را به اجماع فقهای شیعه نسبت دهد (نجفی، 1404ق: 44/22).

این سخن از آن نظر مهم است که اجماع فتوای فقهای شیعه از رویکرد تاریخی مهمی در فقه نگارگری و پیکرتراشی حکایت دارد. در فقه، این رویکرد به نام فقهای شیعه ثبت شده است؛ اما با توجه به گزارش‌هایی که ذیل ایوان کسری گذشت و نیز روایاتی که درباره سکه‌ها وجود دارد، معلوم می‌شود که حداقل طیفی از بزرگان و فقهای اسلام در سده‌های نخست، با موضوع نگهداری و جفظ تصاویر و نقوش برجسته و تندیس‌های موجود در جهان اسلام مخالفت جدی نکرده‌اند؛ بلکه کسانی در همان دوران‌ها بوده‌اند که تسامحی بیشتر از جواز نگهداری و خریدوفروش داشته‌اند.

در گذشته و حال دیدگاه‌هایی یافت می‌شود که به صورت مطلق، ساختن و خرید و فروش کردن و نگهداری انواع تصاویر و مجسمه را مشروع می‌دانند. عبدالمجید وافی، از استادان الازهر، در مقاله «موقف الاسلام من الفنون» (الوافی، 1387: 52 تا 58) با استشهاد به دیدگاه‌های کسانی همچون نحاس (338ق/949م) و ابوعلی فارسی (377ق/987م) و نیز محمد عبده، به این نتیجه می‌رسد که اسلام از اساس، نه در عصر پیامبر(ص) و نه در عصر خلفای نخستین، هیچ مخالفتی با هنرهای تجسمی نداشته است. باوجود مخالفت فقه‌پژوهان، از نظر میدانی نیز تاریخ هنر و تمدن اسلامی به‌خوبی بر حیات فنون تصویری در گذشته دلالت می‌کند. وانگهی در میان

مفسران و قاریان و فقها کسانی بوده‌اند که مطلق ساخت و فروش و نگهداری تصویر و مجسمه را مشروع و مستند به قرآن دانسته‌اند. نحاس (338 ق/949م) و مکی بن ابی طالب (355ق/965م)، مفسر و قاری، با استناد به آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ» (سبأ، 13) و آیه «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران، 49) بر این باورند که با توجه به نقل تأییدآمیز قرآن، مطلق تصویر و مجسمه سازی در شریعت انبیای الهی مباح و مشروع بوده است (نک: الجصاص، 1415ق: 488/3؛ القرطبی، 1405: 272/14).

ابوعلی فارسی (377ق/987م) قاری و مفسر ادیب، در ذیل سخن از پرستش گوساله از سوی بنی اسرائیل، به نظر مسلمانان استناد می‌کند و می‌گوید: «محض ساختن گوساله مورد غضب نبوده‌است؛ آنچه مورد غضب الهی قرار گرفت این بوده‌است که آنان خدا را به صورت اجسام درآورده و به اجسام، جایگاه معبودیت دادند» (فارسی، 1404ق: 7/2). عبدالحمید وافی اشاره می‌کند که محمد عبده (1266 تا 1323ق/1849 تا 1905م) و عبدالعزیز خلیل حسن جاویش (1293 تا 1347 ق / 1876 تا 1928 م) نیز چنین نظری دارند. از نظر عبده، فنون تجسمی و تصویری هرگاه مصداق لهو و پرستش کسان باشد، تصاویر و تجسم جاندار و بی‌جان تفاوتی نخواهد داشت. او با استناد به وجود فنون تصویری فراوان در نسخه‌های خطی قرآن و امتناع نکردن علما از کشیدن تصویر در ابتدای سوره‌ها و نیز در هامش صفحات قرآن، سخن خود را تأیید می‌کند.

و اما در میان فقهای شیعه، نخست باید اشاره کرد که در کتب روایی شیعه و اهل سنت احادیث فراوانی از پیامبر اکرم(ص) و نیز احادیث متعددی از ائمه اهل بیت(ع) مبنی بر حرمت مجسمه‌سازی انسان و

تشریح بدن انسان‌ها می‌شود و برای تعلیم این مسائل لازم به نظر می‌رسد.

5. ساختن رباط‌های کامپیوتری که جنبه سرگرمی و تفریح ندارند؛ بلکه در نیازهای زندگی بشری از آن‌ها بهره‌گیری می‌شود.¹⁶ چنان‌که پیداست، نامبرده در تفصیل فوق از مبانی خود در مباحث عالی حوزه که در بالا بدان اشاره شد، تخطی نکرده است. هرچند در بیان مصداق و مثال‌ها ملاحظاتی دیده می‌شود. امام خمینی (ره) در نامه‌ای که به منشور برادری شهرت یافته است، موضوع نقاشی و مجسمه‌سازی را از جمله موضوعاتی دانستند که صاحب نظران درباره آن باید بیشتر به بحث و گفت‌وگو بپردازند (خمینی، 1370: 176/21). میرزا جواد آقا تبریزی نیز با انجام بررسی‌هایی در منابع دینی، درباره حرمت مجسمه‌سازی به صورت عام کردند (تبریزی، 1416ق: 123/1).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در فتاوی جدیدشان تصریح کرده‌اند که «ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات و لو ذی روح اشکال ندارد. همچنین خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد».¹⁷ همین دیدگاه در فتاوی کسانی همچون آیت‌الله ابراهیم جناتی نیز دیده می‌شود، او می‌گوید: «مجسمه‌سازی که امروزه به‌عنوان فن و هنر گرانقدر و ارزشمند به شمار می‌آید و از انگیزه‌های مذموم و ناپسند و از آلودگی، شرک و قصد تشبه به خالق، مبراست و با تحول زمان و شرایط آن، ملاک حرمت و یا کراهت آن متحول شده، اشکال ندارد».¹⁸ آیت‌الله صانعی نیز در فتاوی اخیرشان همین دیدگاه را دارند.¹⁹

به نظر می‌رسد با وجود فتاوی که بدان‌ها دست یافتیم، احتمال درستی است اگر بگوییم چه بسا دیدگاه‌های مشابه دیگری نیز در میان فقهای اسلام بوده و هست که یا منابعشان مفقود شده است²⁰ یا فتاویشان هنوز شناخته شده نیست. از این رو باید گفت تبدیل

حیوانات و موجودات زنده آمده است. دوم اکثر امامیه براساس این روایات به حرمت مجسمه‌سازی موجود زنده فتوا داده‌اند و حتی برخی فقهای شیعه، همانند صاحب جواهر و شیخ انصاری و آیت‌الله خوئی در مصباح‌الفقاهه، ادعای اجماع فقهای بر نامشروع بودن ساخت مجسمه کرده‌اند. اما در این میان شیخ طوسی در تفسیر تبیان (طوسی، 1387ق: 1/236 و 237) طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، 1372: 1/233) و مجلسی در بحارالانوار (مجلسی، 1403ق: 285/76) قائل به کراهت شده‌اند و حرمت نگارگری و پیکرتراشی را مختص بت‌سازی دانسته‌اند.¹⁵

به نظر می‌رسد یکی از مبانی اختلاف فتاوی، اختلاف برداشت در موقت بودن حکم حرمت مجسمه‌سازی و صورتگری است که در احادیث متعدّد از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) آمده است. نکته دیگر، توجه به متن یا ملاک احکام است. این فقها چنان‌که از علت‌هایی که بیان می‌کنند پیداست، انگیزه بت‌پرستی و تصویر و تجسیم خدا را ملاک حرمت دانسته‌اند. از این رو، نظر کلی آیت‌الله مکارم در مباحث فقهی‌شان جواز تصویر و مجسمه‌سازی است (نک: مکارم شیرازی، 1426ق: 4/164؛ 1427ق: 1/359 تا 360). تفصیل نظر ایشان در باب جواز تصویر و مجسمه حیوانات که در فتاوی رسمی‌شان منتشر شده است به این شرح است:

1. جواز نقوش برجسته که در گچکاری و کنده‌کاری و قلمکاری و مانند آن‌ها دیده می‌شود؛

2. ساختن عروسک‌ها و آنچه جنبه بازیچه دارد؛

3. ساختن مجسمه‌هایی که برای فریب دشمن ساخته و در مناطقی گذاشته می‌شود و از نظر جنگی ضرورت دارد؛

4. ساختن مجسمه‌هایی که از قطعات متعددی تشکیل یافته است و در طب برای تعلیم مسائل مختلف به کار می‌رود و در بسیاری از مواقع، جانشین

رویکردی در دوران‌های اسلامی نشان دارد. امروز شمار بسیاری از سکه‌های خلیفگان و پادشاهان نخستین دوران‌های اسلامی در دسترس پژوهشگران است.²³

سنت وقف

بی‌تردید، وقف و احسان پایدار خاص اسلام و جوامع اسلامی نیست و این حرکت خیرخواهانه در جوامع و ادیان کهن سابقه داشته است. پژوهش‌گران شواهد بسیاری از پیشینه وقف و شبه وقف در کتاب‌های یهود ذکر کرده‌اند (حیدری، 1392: 17 تا 52). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی سنت وقف وجود داشته است و مردم این سرزمین‌ها موقوفاتی را به پرستش‌گاه‌ها و کلیساها اختصاص می‌داده‌اند. در عصر باستان یونان، چین، ژاپن و روم و در فلسطین قبل از اسلام موقوفاتی بوده است که از درآمد آن‌ها برای جریان کار معابد، صومعه‌ها، پرستشگاه‌ها و بازسازی آن‌ها و نیز گذران زندگی اسقف‌ها و برهمن‌ها و کاهن‌ها و ارائه خدمات لازم به برخی از دانش‌آموزان مدارس بهره می‌گرفتند (عبداللهی مشهور، 1389: 165 تا 202؛ تفرشی، 1383: 19 تا 46).

در فقه اسلامی، وقف همان صدقه جاری در روایات است (صدوق، 1413ق: 248/4؛ طوسی، 1390ق: 97/4 تا 99). در روایت دیگری از پیامبر(ص)، صدقه جاری به نگهداشتن مایه و ماده و آزادکردن انتفاع معنی شده است (ابن‌سعد، 1410ق: 272/3؛ شامی، 1414ق: 272/11).²⁴ گویا از این‌روست که فقهای شیعه، از شیخ طوسی به بعد، نیز وقف را نگهداری ماده و آزادکردن سود معنی کرده‌اند: «تحییس الاصل و تسبیل یا اطلاق الانتفاع» (طوسی، 1387ش: 286/3؛ حلی، 1405ق: 369).

برای وقف منافع و کاربردهای بسیاری برشمرده‌اند. با

ایوان مدائن به نمازگاه مسلمانان و شهرت پایدار آن به‌عنوان مصلای امیرالمومنین و نیز حفظ و صیانت تصاویر و گچ‌بری‌های موجود در آن، الگویی است برای داوری احتمالی ما درباره سیره فقهی نخستین فاتحان و چگونگی رفتار آنان با صنایع و هنرهای معماری و امثال آن. چنان‌که گذشت این سیره تا سالیان دراز دوام داشته است؛ برای مثال شواهد نشان می‌دهد که سکه‌های منقوش ساسانی و رومی تا مدت‌ها در دارالاسلام رایج بوده است. در زمان عمر بن خطاب، سکه‌های ساسانی با تصویر پادشاه ایران ضرب می‌شد (خزاعی، 1419ق: 627؛ ابن‌اثیر، 1385ق: 20/13).

مقریزی به ضرب سکه‌های عصر معاویه و منقش‌بودن آن به تصویری اشاره کرده است که شمشیر به میان بسته است؛ سپس به ضرب سکه‌های منقوش به تصویر عبدالملک در سال 76 قمری پرداخته است و یادآوری کرده است که این سکه‌ها وقتی به مدینه آمد، بقایای صحابه از نقش آن ناخرسند شدند؛ اما سعید بن مسیب، از فقهای تابعین، عیبی بر این سکه‌ها نمی‌گرفت و با آن‌ها معامله می‌کرد (مقریزی، بی‌تا: 3 تا 5). البته در آن دوران‌ها کسانی از فقها نیز بودند که نظر مخالف داشتند. در هر صورت، وجود کتیبه‌ها و مجسمه‌ها و تصاویر برجسته در ایران و دیگر کشورهای اسلامی نشانگر رویکرد تسامحی در میان عامه مردم مسلمان است.

در هر حال، اگر آرتور پوپ جلد اول و دوم کتاب سیری در هنر ایران²¹ را به آثار هنری دوران هخامنشی و پیش از هخامنشی و عصر ساسانی اختصاص می‌دهد، تاحدی از آن‌روست که این آثار از دوران اسلامی به دست او رسیده است. دایره‌المعارف هنر و معماری اسلامی،²² اثر جانانان بلوم (Jonathan Bloom) و شیلا بلر (Sheila Blair) با 1600 مدخل و 500 تصویر نیز از چنان

این اقدام انسانی، کوشش می‌شود هم صدقه و جاری و جاویدان باشد و هم نقشی در صیانت و مدیریت دیگر آثار و موارث فرهنگی داشته باشد. «وقف تضمین دینی و قدسی صیانت از کارنامه انسانی است».

فقه مسجد

نهاد تعلیم و تربیت در کنار رسانه کتاب و گنجینه کتابخانه، همواره دو دستگاه مهم در انتقال و صیانت از فرهنگ و تمدن بوده‌اند. جالب‌تر آنکه کتاب و دانش در مسجد و سپس مدرسه به هم می‌رسند. در دوران تاریخی تمدن اسلامی، به‌طور معمول مسجدها و سپس مسجد مدرسه‌ها کانون امن دانش و کتاب بوده‌اند. هرچند مراکز دینی دیگری همچون خانقاه و مزارات انبیاء و اولیاء نیز از مکان‌های مطمئن برای رشد علم و فرهنگ و صیانت از کتاب و هنر بوده‌اند. در این میان، سنت وقف طولانی‌ترین همکاری و همگرایی را با مسجد و اماکن مقدس داشته است. تلاقی و هماهنگی تاریخی نهاد مالی وقف با نهاد رسانه‌ای و قدسی مسجد، ماندگاری بخش بزرگی از میراث‌های تاریخی مسلمانان را دو چندان کرده است. اگر هنر اسلامی نیز در معماری مسجد خودنمایی می‌کند، در اصل ریشه در طهارت و ماندگاری این بنیاد دارد.

در قرآن و فقه، حکم ذاتی مسجد و معبد قداست و ماندگاری است. در کتاب خدا، جایگاه ابدی و نقش حیاتی معابد آنچنان برتر است که از یک سو، به جای فلسفه مهم دفاع مقدس می‌نشیند و آن را برای ماندگاری مسجد و معبد و صومعه و دیر ضروری می‌سازد و از سوی دیگر، دستان خائن و ویرانگر مسجد را ستمگارتترین و بدفراجام‌ترین آدم‌ها می‌داند.²⁵ در فقه، عرصه مسجد به محض ساخت و قصد انتفاع عمومی از آن، از ملکیت شخص خارج می‌شود و مانند

توجه به تاریخچه وقف و اسناد پرشماری که در دسترس است، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین کاربرد آن، جنبه حمایتی و اجتماعی و فرهنگی است. در مواقعی نیز وقف در اموری همچون نشر آیین و مذهب، تامین مالی فقرا و فقرزدایی، توسعه مراکز علمی و آموزشی و خدماتی و امدادی، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، تولید و انتشار کتاب، توسعه کتابخانه‌ها، ایجاد گردشگری و خلاصه در آبادی شهرها و کشورها نقش اساسی داشته است؛ بنابراین، نقش تأسیسی و ایجاد وقف در فرهنگ و تمدن اسلامی بر کسی پوشیده نیست (نک: صادق‌زاده، 1391: 47). گو اینکه در ایران بیشترین موقوفات مربوط به مراکز دینی، همچون مساجد و حسینیه‌ها و آستان قدس رضوی و امامزادگان است؛ پس از آن نوبت به مراکز علمی و کالاهای فرهنگی، همچون کتاب، می‌رسد که بیشترین موقوفات را دارند. وقف‌های عام‌المنفعه مانند پل‌ها، آب‌انبارها، کاروانسراها و بیمارستان‌ها در مرتبه سوم است (بابایی، 1390: 15 تا 36).

اما از زاویه دیگری نیز باید به وقف نگریست و آن نقش تضمینی و امدادی وقف در حفظ و صیانت از آثار و میراث تمدنی است. نویسنده بر این نکته اصرار می‌کند که چنین ظرفیت دینی و اسلامی باید بازشناسی و احیاء شود. البته بسیاری از کسانی که در باب وقف نوشته‌اند، به نقش صیانتی و حمایتی وقف نیز توجه کرده‌اند (گایثی، 1391، 66 تا 87؛ ملک افضلی، 1392: 19).

در فقه وقف اسلامی، دوام و استقلال دو عنصر شناخته‌شده و ذاتی است. این عناصر ازسویی هرگونه دخالت دولت‌ها و حکام را در مدیریت موقوفات منع می‌کنند و ازسوی دیگر، خرید و فروش و هرگونه جابه‌جایی وقف را جز در مواقع خاص ناروا می‌دانند (طوسی، 1387: 3/538 و 539). در

که اهتمام شگرفی به تاریخ پیامبران و حاکمان و حکیمان دارد. در این مسیر، ایشان دستورها و سنت‌هایی را در نظر و عمل به یادگار گذاشتند که با روح جاودانه این دین آسمانی قرابت داشت و این همان است که با عنوان مبانی لزوم صیانت از آثار و میراث تاریخی از آن نام می‌بریم. دستور و اهتمام به حفظ و کتابت و قرائت قرآن، فرمان به کتابت و روایت حدیث و سنت، تاسیس سنت زیارت، تبرک، وقف و فقه‌المسجد، دستور به تأسی از پیامبران و صالحان، نظر و سیره اثباتی طیفی از فقها و اسلام‌شناسان و مسلمانان در باب هنر نگارگری و پیکرتراشی، دستور به سیر و سیاحت در زمین و زمان و بالاخره سیرت عاقلانه‌ای که فاتحان نخست در صیانت از آثار تاریخی عراق داشتند، همه و همه نمایشگر اهتمام دیانت اسلام به حفظ میراث بشری و نشانه روح تاریخی و پایشگری اسلام در حیات انسانی است.

پی نوشت

1. هیئت امر به معروف و نهی از منکر با اشاره به فعالیت‌های توریستی و بازدید از آثار تاریخی و اسلامی بیان کرد: «دیدن از آثار تاریخی و اسلامی حرام است؛ زیرا هیچ‌کدام از صحابه این کار را انجام نداده بودند» <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=7344>
2. این کتاب را با ترجمه و تحقیق دکتر محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا جان‌نثاری لادانی، انتشارات زمان نو در 380 صفحه منتشر کرده است. صفحات 137 تا 190 در باره قرائت مطلوب قرآن است.
3. عزیزی، 1391، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری: ص 27 تا 48، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

وقف جز در مواقع ضرورت، هیچ‌کس نمی‌تواند هیچ تصرفی برخلاف مصالح و بقای آن بکند (طوسی، 1387ق: 160/1؛ طباطبائی یزدی، 1409ق: 1/596). بنابراین، مسجد به حکم آنکه وقف عام است ثبات و بقا دارد. موقوفات آن نیز به دو اعتبار شانس ماندگاری بیشتری دارند: هم به اعتبار موقوفه‌بودن و هم به اعتبار تعلق به مسجد؛ بنابراین باید مسجد و سپس مزار پیامبر(ص) و ائمه(ع) و امامزاده گان بزرگ(ع) را از کانون‌های بزرگ فرهنگی و تمدنی بدانیم که به اقتضای شرع و عرف دینداران صیانت شده‌اند.

البته باید گفت چنین صیانتی ریشه در ژرفای دیانت و خداپرستی انسان دارد. انسان تاریخی کوشیده است پایداری و ماندگاری دیانت خود را بانمادهای دینی پیوند بزند. باید گفت که از میراث گذشتگان آن بخشی که به این نمادها تعلق خاطر دارند، هم بیش از دیگر آثارند و هم ماندگارتر. وجود طیف فراوان کلیساها و مدرسه‌های دینی و مزارات و مجسمه‌ها و دیگر نمادهای دینی شاهد این دعوی است.

نتیجه

اسلام در نخستین روزگار پیدایش خود، به‌عنوان دعوتی الهی و سپس دولتی آغاز شد؛ اما پس از مدتی، به فرهنگ و تمدنی بزرگ تبدیل شد. این فرایند بی‌شک مایه و ماده در ذات اسلام داشت. پیامبر ملت و دولت و کتاب و سنت و فقهی را بنیاد نهادند که مایه‌های فکری جاودانگی و ماندگاری‌اش را در ذات خود داشت. ایشان خود را خاتم پیامبران، کتابشان را نگهبان میراث گذشتگان و سنت حرام و حلالشان را ابدی کرده بودند.

چنین آیینی که در ذات مَهْمِین و پایشگر است، نمی‌تواند گذشته خود را فراموش کند؛ شاید از این‌روست

رکعات لا يفصل بينهما و أتم الصلاة لأنه نوى الإقامة، و كانت أول جمعة أقيمت بالمداخن في صفر سنة ست عشرة (طبری، 1976م: 15/4 و 16؛ ابن اثیر، 1385ق: 512/2؛ نویری، 1423: 226/19).

10. در کتاب تقييد العلم بالکتاب که خطیب بغدادی فراهم آورده است، ده ها روایت از پیامبر و صحابه و تابعین با سندهای گوناگون درباره ترغیب و تشویق به کتابت علم گزارش شده است (خطیب، 1426: 68 تا 101).

11. ذهبی از یعقوب بن عباد از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کند که فرمودند: «هرگاه حدیث را نوشتید با اسنادش بنویسید؛ اگر حق بود، شما در پاداش آن شریک خواهید بود و اگر باطل بود، کیفرش بر عهده اوست» (ذهبی، بی تا: 98/4). نویسنده با چند استدلال و با استناد به ده ها نمونه از دفاتر و کتاب های نوشته شده به دست صحابه و اتباع آنها، جایگاه و اهمیت کتابت علم و اعتبار روش اسنادی را بررسی کرده است (عزیزی، 1391: 28 تا 54؛ و نک: رازی، 1372: 120/1).

12. این نامه را با عنوان پاسخنانه شیخ جعفر به نامه عبدالعزیز بن سعود محمد تقدیمی صابری ترجمه و بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی به سال 1386 منتشر کرده است.

13. روایات و مطالعات تفصیلی و انتقادی درباره تبرک و آثار متبرک صدر اسلام را می توان در کتاب هایی همچون التوسل بالنبی صلی الله علیه وآله ابي حامد بن مرزوق، والدرر السنیه سید احمد بن زینی دحلان، وشفاء السقام تقی الدین سبکی، و تطهیر الفؤاد شیخ محمد المطیعی، والمنحة الوهبیه حسین حلمی، تبرک الصحابه محمد طاهر کردی، کشف الاریاب علماء سید امین جبل عاملی ملاحظه کرد. کتاب التبرک

4. فقه الکتابه شامل هر نوع فعالیت استدلالی و اجتهادی است، در باب منابع و مبانی و احکام کتابت علم از منظر کتاب و سنت و عقل. در استدلال بر سنت نبوی، سیره آن حضرت و صحابه بزرگ او جایگاهی ویژه دارد. براین اساس، می توان تقييد العلم خطیب بغدادی را فقه الکتابه روایی دانست و فصل ششم مکاتیب الرسول احمدی میانجی (ص 103 تا 181) را فقه الکتابه استدلالی و عقلی.

5. Tourism

6. درباره اینکه آیا اسراء و معراج پیامبر به مسجد الاقصی و جهان بالا، روحانی بوده است یا جسمانی نگاه کنید: (سبحانی، 1367: 178/6). چنانکه اشاره شد، دیدگاه رایج شیعه به مفهوم سیر جسمانی نزدیک است.

7. یاقوت حموی در مقدمه کتاب خود، ضرورت و لزوم مطالعات جغرافیایی و تاریخی و انسان شناسی تاریخی را به صراحت، از آیات 46 سوره حج «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...» و 11 سوره انعام «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا...» استنباط کرده است.

8. نک: سوره های الأنعام، 11؛ آل عمران، 137؛ الحج، 46؛ النمل، 69؛ العنكبوت، 20؛ الروم، 9 و 42؛ فاطر، 44؛ غافر، 21 و 82؛ محمد، 10.

9. و كان سلمان الفارسی رائد المسلمين و راعیهم. دعا أهل بهر سیر ثلاثا، و أهل القصر الأبيض ثلاثا. و اتخذ سعد ایوان کسری مصلی، و لم یغیر ما فیہ من التماثل، و لما دخل الإیوان، قرأ: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ. وَ نَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَاهِين. كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ» و صَلَّى فِيهِ صَلَاةَ الْفَتْحِ ثَمَانِي

20. از باب مثال ما از تفصیل فتاوی عمانی و ابن جنید، دو تن از فقهای قدیمی... خبر نداریم. به‌طور تقریبی صددرصد آثار محمدبن مسعود عیاشی که در فهرست بن ندیم به ده‌ها اثر فقهی و تفسیری و حدیثی می‌رسد، گم شده‌است. بخش بزرگی از منابع شیعی که در فهرست اسماء مصنفی الشیعه نجاشی آمده‌است، امروز در دست نیست.

21. دوره کامل این کتاب در سال 1938 مسیحی پس از 20 سال تلاش مداوم پروفسور آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرمین و با همکاری 56 تن از هنرشناسان و ایرانشناسان نامدار عصر انتشار یافت و در سال 1964 و 1977م تجدید چاپ شد. کتاب اصلی مشتمل بر 13 جلد است که 6 جلد آن حاوی متن مقاله‌هاست در 69 فصل و 92 مقاله همراه با 967 طرح سیاه قلم گرافیک. جلد‌های هفت‌گانه لوح‌ها (جلدهای 7 تا 13) نیز محتوی حدود 3500 تصویر رنگی و سیاه و سفید است. در جلد‌های اول و دوم و هفتم و هشتم به هنرهای ایرانی پیش از اسلام پرداخته شده‌است و دیگر جلد‌ها اختصاص به هنرهای دوران اسلامی دارد. علاوه بر پانوشت‌هایی که مترجمان و ویراستاران و دفتر سرویراستاری افزوده‌اند، دو جلد دیگر (جلد 14 و 15) نیز به همت متخصصان ایرانی تدوین شده‌است.

22. The Grove Encyclopedia of Islamic Art & Architecture, Jonathan Bloom, Sheila Blair, Oxford سایت: <http://clisel.com/?p=7358> نک:

23. نک: سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، از سیدجمال تراب طباطبایی و منصوره وثیق؛ سکه‌های ایران زمین، اثر موزه موسسه کتابخانه ملی ایران؛ سکه‌های ایران زمین، از موسسه و موزه ملی کتابخانه آستان قدس رضوی، به کوشش سیدعلی اصغر شریعت‌زاده.

احمد احمدی میانجی به علت نوپدیدبودن و جامعیتی که به کتاب‌های یادشده دارد، درخور توجه است.

14. شماری از این آثار را احمد تیمور پاشا (1871 تا 1930م/1288-1330ق) در کتاب الاثار النبویه گردآوری و صحت استناد آن‌ها را به پیامبر(ص) بررسی و نقد کرده‌است.

15. رضا الهامی در مقاله «بررسی حکم فقهی مجسمه‌سازی»، دیدگاه فقهای شیعه را به پنج گروه تقسیم کرده‌است: حرمت تصویر و تجسم (نگارگری و پیکرتراشی) به‌طور مطلق، جواز تجسیم و تصویر به‌طور مطلق، حرمت تجسیم به‌طور مطلق و جواز تصویر به‌طور مطلق، حرمت تجسیم و تصویر جاندار، حرمت تجسیم جاندار (الهامی، 1381: 60).

16. نک:

<http://portal.anhar.ir/node/2965#gsc.tab=0>

این سایت در معرفی فتاوی فقهای معاصر تا حدودی جامع و به روز است.

17. نک: اجوبه الاستفتائات رهبری در سایت رهبری با آدرس:

<http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>

ایشان در مجموعه موسوم به رساله اجوبه الاستفتاءات ذیل سؤال 1221 تصریح کرده‌اند که ساخت مجسمه انسان یا سایر حیوانات به صورت کامل اشکال دارد؛ هر چند خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه و ارائه آن به نمایشگاه اشکال ندارد (خامنه‌ای، 1383: 268).

18. نک: سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله جناتی

<http://jannaati.com/far/index.php?page=>

19. نک: سایت صراط:

<http://www.seratnews.ir/fa/news/9245>

صدراپی خوبی، علی، (1387)، «وقف کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، ج 3، تهران: اسوه.

طباطبایی، سیدجمال تراب و منصوره وثیق، (1373)، سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تهران: کتابخانه ملی ایران. سایت سکه‌ها، (www.sekeha.com).

طباطبایی، سیدجمال تراب و منصوره وثیق، (1423ق)، الغایه‌القصوی، ترجمه شیخ عباس قمی، ج 1، قم: صبح پیروزی.

عزیزی، حسین، (1391)، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فخر رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر، (1420)، مفاتیح الغیب، ج 17، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

کاشف الغطاء، جعفر، (1386)، منهج السداد لمن اراد الرشاد، ترجمه محمد تقدیمی صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.

کریمی زنجانی اصل، محمد، (1385)، دارالعلم‌های شیعی، تهران: اطلاعات.

مالکی، القاضی عیاض بن موسی بن عیاض، (1389ق/1970م)، الماع‌الی معرفة أصول الروایة و تقیید السماع، تحقیق السیداحمد صقر، قاهره و تونس: دارالتراث و المكتبة العتیقه.

مجلسی، محمدباقر، (1403ق/1983م)، بحارالانوار، ج 76، بیروت: دارالوفاء.

محمدرضا، (1380)، نگاهی به گنجینه موزه ملی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

مکارم شیرازی، ناصر، (1426ق)، انوار الفقاهه (کتاب التجاره)، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

-----، (1374ش)، تفسیر نمونه، ج 3، 5، 8، تهران: دارالکتب السلامیه.

24... أصاب عمر أرضا بخبير فأتى النبي. ص. فاستأمره فيها فقال: أصبت أرضا بخبير لم أصب مالا قط أنفس عندى منه. فما تأمر به؟ قال: إن شئت حبست أصلها و صدقت بها.

25. الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَكَيْنُصْرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (الحج، 40)؛ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ.

کتابنامه

الف. کتاب های فارسی

باستانی، امیر، (1387)، «مطالعه تطبیقی نهاد وقف و تراست از لحاظ مال»، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن اسلامی، ج 1، تهران: اسوه.

پاشا، احمد تیمور پاشا، (2012)، کتاب الآثار النبویه، قاهره: موسسه هنداوی للتعلیم و الثقافه.

پوپ، آرتور آپم و فیلیس اکرم، (1387)، سیری در هنر ایران، تهران: علمی و فرهنگی.

تبریزی، جواد، (1416ق)، ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، ج 3، ج 1، قم: اسماعیلیان.

خمینی، روح‌الله، (1370ش)، صحیفه نور، تدوین سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ج 21، تهران: ارشاد.

ری شهری، محمد، (1387)، فرهنگ مسجد، قم: دارالحديث.

سازمان اوقاف و امور خیریه و بانک توسعه اسلامی، (1387)، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج 3، تهران: اسوه.

سبحانی، جعفر، (1367)، منشور جاوید، ج 6، قم: دارالقران الکریم.

- السبگی، تقی‌الدین، (1419ق)، شفاء السقام فی زیارة
خیر الانام، تحقیق السیدمحمدرضا جلالی، تهران:
مشعر
- الشوکانی، محمدبن علی، (1414ق)، فتح القدير، ج 2، بیروت
و دمشق: دارابن کثیر و دارالکلم الطیب.
- السمعانی مروزی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد،
(1409ق/1989)، ادب الاملاء و الاستملاء، بیروت: در و
مکتبه الهلال.
- السمهودی، علی بن عبدالله، (1376)، خلاصه، وفاء الوفاء
باخبار دار المصطفی، ترجمه سیدکمال حاج سید
جوادی، تهران: مشعر.
- السیدرضی، ابوالحسن محمد، (1387)، نهج البلاغه،
تحقیق الصبحی صالح، بیروت: بی نا.
- الشامی صالحی، محمدبن یوسف، (1414ق/1993م)،
سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، تحقیق
عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت:
دارالکتب العلمیه.
- الصدوق، محمدبن علی بن الحسین، (1413ق)، من
لایحضره الفقیه، ج 4، قم: اسلامی.
- الطبرسی، فضل بن حسن، (1372)، مجمع البیان، ج 1،
تهران: ناصر خسرو.
- الطبری، محمدبن جریر بن رستم، (1976ق)، اخبار الامم و
الملوک، بیروت: دارالمعرفه.
- الطوسی، محمدبن حسن، (1387ق)، المبسوط فی
فقه الامامیه، ج 1 و 3، تهران: المکتبه المرتضویه
لاحیاء الاثار الجعفریه.
- ، (1390ق)، الاستبصار، ج 4،
تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن،
مصحح احمد عاملی و احمد حبیب، ج 1، بیروت:
احیاء التراث.
- ، (1407ق)، الخلاف، تصحیح
محمدباقر بهبودی، ج 3، بی جا: المکتبه الرضویه لاحیاء
الاثار الجعفریه.
- آل غازی، ملاحویش عبدالقادر، (1382ق)، بیان المعانی،
ج 3، دمشق: مطبعة الترقی.
- الفارسی، ابوعلی، (1404ق/1984م)، الحجج للقراء
السبعة، ج 2، بیروت: 14 دارالمامون.
- الفاسی المکی، تقی‌الدین، (1386)، شفاء الغرام
بأخبار البلاد الحرام، مترجم محمد مقدس، تهران: مشعر.
- القرطبی، محمدبن احمد انصاری، (1405ق)،
الجامع لاحکام القرآن، ج 14، بیروت:
داراحیاء التراث العربی.
- الکردی، محمدطاهر بن عبدالقدر، (2012/1391م)،
تبرک الصحابه باثار رسول الله صله الله علیه وآله و بیان
فضله العظیم، جده: دارالمنهاج.
- المطیعی، محمدبنخیت، (1424ق/2003م)، تطهیر الفؤاد
من دنس الاعتقاد، استانبول: مکتبه الحقیقه.
- المقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، (بی تا)، شذور العقود
فی ذکر النقود، ش 2170، ص 3 تا 5، تصویرنسخه
خطی.
- النجفی، محمدحسن، (1404ق)، جواهر الکلام، ج 22،
بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- النووی، ابوزکریا محیی‌الدین بن شرف، (بی تا)، المجموع
نووی، ج 16، بیروت: دارالفکر.
- النویری شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب، (1423ق)،
نهاية الأرب فی فنون الأدب، القاہرہ، دارالکتب
والوثائق القومیہ.
- الیزدی، سیدمحمدکاظم، (1409ق)، العروة الوثقی فیما
تعم به البلوی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح
الکاتب العباسی، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، ج 2، بیروت:
دارصادر.

سایت <http://clisel.com/?p=7358>

سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله جناتی:

<http://jannaati.com/far/index.php?page=6>

سایت انهار:

<http://portal.anhar.ir/node/2965#gsc.tab>

سایت آپارات:

<http://www.aparat.com/v/Nxjoh>.

سایت رهبری:

<http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>

سایت صراط:

<http://www.seratnews.ir/fa/news/9245>

ج. مقاله

. الهامی، رضا، (1381)، «بررسی حکم فقهی مجسمه‌سازی»، مجله مقالات و بررسیها، ش 72، ص 155 تا 177.

. بابایی، رضا، (1390)، «وقف میراث جاویدان، مقاله وقف از چشم‌انداز نشانه‌شناسی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 74، ص 15 تا 36.

. تفرشی، عیسی و اصغر محمودی، (زمستان 1383)، «تجزیه و تحلیل تراست در حقوق انگلیس و مقایسه آن با نهاد وقف در حقوق ایران»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش 13، ص 19 تا 46.

. حیدری، حسین و خدیجه کاردوست، (بهار 1392)، «مبانی، عوامل و گستره وقف و شبه وقف در یهودیت با تأکید بر عهد عتیق»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 81، ص 17 تا 52.

. صادق‌زاده علی، اعظم نجفقلی، (1391)، «نگاهی به وقف کتاب در ایران و اسلام»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 79 و 80، ص 45 تا 66.

. عبداللطیف مشهور، نعمت، (1389)، «بررسی مؤسسات وقفی در برخی از کشورهای غیراسلامی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 70، ص 165 تا 202.

. گائینی، محمد رضا (1391) «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 79 و 80، ص 67 تا 100.

. ملک افصلی، محسن و حامد درون‌پرور، (1392)، «جایگاه و نقش وقف در توسعه فرهنگی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش 83، ص 19 تا 34.

. وافی، عبدالمجید، (1387)، «موقف الاسلام من الفنون»، مجله الوعي الاسلامی، ش 36، ص 52 تا 58.

د. سایت‌ها